

مکتب قرآن و سلفی گری در کردستان

عبدال گلپریان

پیشینه و موقعیت امروز مکتب قرآن

تا قبل از انقلاب سال ۵۷ کسی در ایران یا در شهرهای کردستان این جریان را که میکوشید در مقابل چپ و گرایش کمونیستی آندوران ابراز وجود کند نمیشناخت. تقابل دیگر این جریان در همان دوران با اسلام نوع شیعه بود که داشت به قدرت میرسید اما همسویی و هم جبهتی هر دو، اسلام شیعه و سنی، ایستادگی در مقابل رشد گرایش اجتماعی چپ و نیروهای سیاسی و کمونیست در شهرهای کردستان بود. این جریان در ماه های قبل از انقلاب از موضع اسلام نوع سنی و در مخالفت با حکومت پهلوی در کردستان شروع به شکل گرفتن کرده بود.

ظهور مکتب قرآن بنا به وجود برخی از عناصر دینی سنی "ضد رژیم سلطنتی"، در کردستان و شهر سنندج بر بستر اوضاع سیاسی و تحولات اجتماعی در مقطع انقلاب خود را نمایان میکند. احمد مفتی زاده بعنوان نماینده و سخنگوی مکتب قرآن در سنندج خود را مطرح میکند. در ماههای پایانی سرنگونی حکومت پهلوی او با انتقادات آیکی از رژیم شاه سعی می کرد کسانی با گرایش اسلام نوع سنی را دور خود گرد آورد. لحن انتقادی سخنان سراپا حساب شده و محافظه کارانه اسلام نوع سنی که

در میان آخوندهای نوع شیعه در دیگر شهرهای ایران نیز ایراد میشد در شرایطی بود که ماه ها قبل از آن جوانان و نیروهای چپ در تظاهرات هر روزه خود در شهر سنندج و در دیگر شهرها با شعارهای "مرگ بر شاه" و حمله به مراکز دولتی یا را فراتر از این حرفها گذاشته بودند.

هنوز چند روز از ۲۲ بهمن ۵۷ نگذشته بود که مفتی زاده برای محکم کردن جای پای خود محل استانداری سنندج را به کانون تجمع نیروهایش تبدیل کرد. صفدری نماینده خمینی نیز پادگان سنندج را برای ادامه سرکوب قیام و انقلاب مردم برگزیده بود. بین این دو جریان مذهبی (شیعه و سنی) و در رقابت با هم و حفظ برتری طلبی یکی بر دیگری اختلافاتی بروز کرد که منجر به درگیری و کشته شدن یک نفر و زخمی شدن سه نفر دیگر در شهر سنندج شد. این واقعه در روز ۲۶ اسفند ۵۷ روی داد و سبب شد که تظاهرات گسترده ای در شهر سنندج از سوی مردم و نیروهای چپ علیه این دو جریان مذهبی شکل بگیرد. مردم به مقر استقرار صفدری نماینده خمینی که در داخل شهر بود حمله کردند و بساط این جریان را در هم پیچیدند. این واقعه بهانه ای شد که خمینی دستور جنگ علیه مردم کردستان را که به نوروژ خونین سنندج معروف است صادر کند.

جریان مکتب قرآن مفتی زاده

صفحه ۲

حکم شلاق علیه "زمانه زیویه"، "مناره ملاویسه" و "ایوب جوانپور" را باید وسیعاً محکوم کرد. صفحه ۹



کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری

طبق اخبار منتشر شده، "زمانه زیویه"، "مناره ملاویسه" و "ایوب جوانپور" از سوی دستگاه قضایی حکومت ایران در شهرستان سقز به ۵۰ ضربه شلاق و یک میلیون و هشتصد هزار تومان جریمه نقدی محکوم شده اند! این سه نفر به "شرکت در تجمعات حمایت از همه پرسی استقلال کردستان و اخلاص در نظم عمومی" متهم شده است. این گستاخی حکومت کثیف اسلامی علیه مردم معترض کردستان را باید با اعتراض گسترده پاسخ داد. نفس مجازات شلاق که بر طبق "قانون مجازات اسلامی" حکومت صورت میگیرد جنایت آشکار سیستم قضایی و

کسب قدرت سیاسی کلید دست بردن به تغییر در اقتصاد است

صفحه ۳

محمد آسنگران

چگونه حزبی شدم

صفحه ۵

گلانه شاد

شانزده آذر و زلزله در کردستان

صفحه ۵

مصاحبه ایسکرا با نسان نودینیان

یادداشت‌های هفته:

یکی از رازهای بقا!

ورشکستگی احزاب جنبش ناسیونالیسم قومی و اسلامی کرد

صفحه ۶

عبدال گلپریان

هزاران نفر از بازنشستگان دست به تظاهرات زدند

کارگران نیشکر هفت تپه دست به اعتصاب یکپارچه زدند

صفحه ۷

حزب کمونیست کارگری ایران

نگاه هفته: مجموعه اخبار و گزارشات هفته از شهرهای کردستان

صفحه ۸

نسان نودینیان

اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان

صفحه ۹

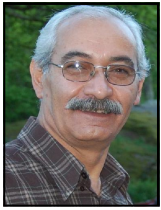
عزیزه لطف الهی

سیاست تحریک آمیز ترامپ در مورد اورشلیم را محکوم میکنیم!

صفحه ۱۰

حزب کمونیست کارگری ایران

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



عبدل گلپریان

حیوانات به این تصویر اضافه شده و سنندج سرخ نامی ثبت شده در تاریخ مبارزات مردم در مقابل ناسیونالیسم، اسلام شیعه و سنی است. این خصوصیات و این ویژگیها تا کنون قادر شده است سنت و فرهنگ اسلامی، ناسیونالیسم و قومگرایی در کردستان را حاشیه ای کند. سلفی گری و جریان مکتب قرآن علیرغم تفاوتهایی که با هم دارند اما از یک تاریخ، سنت و تفکر سرچشمه میگیرند. وجهه اشتراک این جریانها از تفاوتهاشان علییه فضای سیاسی، اعتراضی و آزادیخواهانه مردم، بیشتر و پایه ای تر است. در جریان هر گونه تحول سیاسی و انقلابی در ایران این جریانها قابلیت خون پاشیدن به مبارزات آزادیخواهانه مردم را در خود نهفته دارند و این آن زنگ خطری است که باید کارگران، مردم آزاده کردستان، فعالین چپ و فعالین نهادهای اجتماعی در عرصه های مختلف، موجودیت مخرب و ویرانگر آنان را جدی تلقی کنند. اگر موجودیت و بقای این دو جریان در فردای تحولات زیور و کننده و با گسیخته شدن افسار آنان بتواند برای حکومت اسلامی نوعی امتیاز محسوب شود اما آنچه روشن است این است که فضای ریشه دار مبارزات چپ و انسانی در فردای تحولات سیاسی، اجتماعی در کردستان، این اجازه را به آنان نخواهد داد که شاخه های مختلف اسلامی تحت هر نام و نشانی به جامعه خون بپاشند.

۲۲ آذر ۹۶

۱۲ دسامبر ۲۰۱۷

مشغول انجام امورات "عام المنفعه" برای جذب نیرو است. يك سری مراکز تولیدی راه اندازی کرده اند که از طریق این مراکز سوده های کلانی عایدشان میشود. سلفی ها با سرمایه ای که در اختیار دارند میکوشند از طریق به اصطلاح کمک مالی به بخشی از مردم فقیر، آنان را بعنوان پایه اجتماعی خود تحت کنترل و استفاده قرار دهند. عمده مکان حضور آنان در شهر سنندج است و در محلاتی چون مسجد "کافی کوزه له"، تکیه ای در روستای "دکه ران"، مسجد "قه ره یان" و مسجد "کافی مشکان"، نماز جمعه هایشان را برگزار میکنند.

برخلاف مکتب قرآن که دورانی کسی چون احمد مفتی زاده این جریان را رهبری میکرد، سبک و روش رهبری سلفی ها بشکل جمعی یا گروهی است. اگر کسی از آنان در سطح رهبری گروه کشته شود و یا به زندان انداخته شود، بلافاصله کس دیگری به جای او برگزیده میشود. حضور و موجودیت سلفی گری در منطقه کردستان نه از سر مطلوبیت آن برای بخشی از مردم که ممکن است هنوز به اسلام توهم داشته باشند بلکه موجودیت آن را باید از زاویه موقعیت جغرافیایی، تحولات سیاسی در منطقه، وجود جریانها مشابه در کردستان عراق و بخشها در حکمت اقلیم و بالاخره اوضاع بحرانی و تقابل دولت عربستان با حکومت اسلامی باید جستجو کرد.

شهرهای کردستان و سننهای چپ و کمونیستی

کردستان ایران بعنوان مرکز ابراز وجود چپ و کانون تداوم انقلاب ۵۷، مرکز چپ اجتماعی و سازمانهای رادیکال، محل ایستادگی و مقاومت تاریخی و بی نظیر در مقابل حکومت اسلامی، محل پا گرفتن و سربرآوردن اول مه های درخشان، حمایت از حقوق برابر زن و مرد و دفاع از حقوق کودکان شناخته میشود. بیش از یک دهه گذشته نیز فعالیت نهادهای اجتماعی در دفاع از محیط زیست و حمایت از

شب با حمله به مقر فرماندهی انتظامی کردستان در "توس نوذر" و فرماندهی یگان ویژه انجام دادند که در جریان آن چندین مأمور رژیم کشته شدند.

در ۲۰ شهریور ۸۸ توسط این گروه يك قاضی در سنندج ترور میشود. در ۲۳ شهریور ۸۸ شخصی بنام "ملا برهان عالی" که گفته میشود وابسته به تیم احمدی نژاد و امام جمعه موقت سنندج بوده در جلو مسجد قبا در شهرک بهاران توسط این گروه ترور میشود.

همچنین در ۲۵ شهریور ۸۸ قاضی دیگری از قضات دادگاه انقلاب سنندج هنگام رفتن به محل کارش در سه راه شریف آباد توسط همین گروه ترور میشود.

در ۲۶ شهریور ۸۸ نیز شخصی به اسم "ماموستا شیخ الاسلام" نماینده مجلس خبرگان رژیم در مقابل مسجد سید قطب توسط این گروه در سنندج ترور میشود.

علاوه بر موارد فوق حدود چهار سال قبل با ترور یکی از مسئولین اطلاعات دیواندره و سه نفر دیگر در میدان اقبال سنندج، از سوی نیروهای وزارت اطلاعات مورد تهاجم قرار میگیرند که منجر به دستگیری و زندانی شدن تعدادی از آنان میشود.

یکبارهم در شهر جوانرود مکانهایی را به آتش میکشند. گفته میشود که از هر ده مسجد شش مسجد در اختیار سلفی ها و ملاهای این جریان قرار دارد. این گروه بعدها نام خود را به گروه توحید و به گروه جهاد تغییر داد.

جریان سلفی برخلاف مکتب قرآن که بشکل سنتی از طرفداران خود و کمکهای دولتی تغذیه میکند، سرمایه مالی هنگفتی از طریق شبکه هایی که به حکومت عربستان در منطقه وصل هستند در اختیار دارد و میلیاردها و مقامات عربستان منبع اصلی تغذیه مالی سلفی ها در کردستان هستند. این جریان بشکل باندهای مافیایی

از صفحه ۱ نگاهی به مکتب قرآن و ...

در سنندج و شهرهای کردستان نیز شکست سختی از سازمانها و نیروهای چپ اجتماعی خورده بود. مفتی زاده که رهبری مکتب قرآن را بعهده داشت و از آنجا که از سوی مردم کردستان بشدت منزوی و حاشیه ای شده بود، برای ایستادگی در مقابل آزادیخواهی، سکولاریسم و چپ در جامعه کردستان با تمام قدرت و نیرو در کنار خمینی، دولت موقت و سپاه پاسداران قرار گرفت. از این تاریخ به بعد است که افراد و عناصر مکتب قرآن در ۲۸ مرداد ۵۸ و در دوران اعدامهای خلخالی در کردستان با سر و صورت پوشیده اقدام به شناسایی جوانان انقلابی می کنند. جریان مکتب قرآن در همکاری با سپاه پاسداران، مزدوران محلی و خلخالی، نقش مستقیمی در اعدام انقلابیون ایفا کردند. بعد از تصرف شهرها از سوی سپاه و ارتش و بعد از موج وسیع اعدامها در سراسر کردستان، تاریخ مصرف مکتب قرآن احمد مفتی زاده برای خمینی و حکومت تازه بقدرت رسیده اش کم کم به پایان رسید. حکومت اسلامی بتدریج نه تنها این جریان را در چپاچوب اختلافات شیعه و سنی افسار زده بود، بلکه همزمان پس مانده های آن را که بتواند قابلیت ابراز وجود و ایجاد مزاحمت مجدد در مقابل چپ در جامعه را از خود بروز دهد ذخیره کرد.

سلفی گری و ضرورت وجودی آن

رسالت و موجودیت سلفی گری، بازگشت به صدر اولیه اسلام و مقابله با هر گونه آزادیخواهی، مدرنیسم و مدنیت در جامعه است. سلفی گری و سربرآوردن سازمانیافته آن در شهرهای کردستان ریشه و یا پیشینه ای قلمی ندارد. موجودیت این جریان از یکسو نتیجه شکست و رسوا شدن جریان همجنس خود موسوم به مکتب قرآن و از سوی دیگر محصول تنش بر بستر تحولات سالهای اخیر در جنگ نیابتی بین جمهوری اسلامی شیعه و عربستان سنی است.

سلفی گری در کردستان پیشینه زیادی ندارد. میتوان گفت که کمتر از یک دهه از ابراز وجود این جریان در کردستان میگذرد. سلفی ها در کردستان علاوه بر تبلیغات دینی صدر اسلام، اقدامات تروریستی نیز رکنی از پایه هویتی آنان است. مواردی از عملیات تروریستی سلفی ها در کردستان:

ابتدا در سال ۸۷ با تشکیل گروهی مسلح به نام "گروه ابوبکر" خود را برای عملیات جهادی آماده میکنند و در ۴ اردیبهشت ۸۸ اولین اقدام مسلحانه خود را در دو گروه جداگانه و بطور همزمان در يك

در سنندج و شهرهای کردستان نیز شکست سختی از سازمانها و نیروهای چپ اجتماعی خورده بود. مفتی زاده که رهبری مکتب قرآن را بعهده داشت و از آنجا که از سوی مردم کردستان بشدت منزوی و حاشیه ای شده بود، برای ایستادگی در مقابل آزادیخواهی، سکولاریسم و چپ در جامعه کردستان با تمام قدرت و نیرو در کنار خمینی، دولت موقت و سپاه پاسداران قرار گرفت.

از این تاریخ به بعد است که افراد و عناصر مکتب قرآن در ۲۸ مرداد ۵۸ و در دوران اعدامهای خلخالی در کردستان با سر و صورت پوشیده اقدام به شناسایی جوانان انقلابی می کنند. جریان مکتب قرآن در همکاری با سپاه پاسداران، مزدوران محلی و خلخالی، نقش مستقیمی در اعدام انقلابیون ایفا کردند.

بعد از تصرف شهرها از سوی سپاه و ارتش و بعد از موج وسیع اعدامها در سراسر کردستان، تاریخ مصرف مکتب قرآن احمد مفتی زاده برای خمینی و حکومت تازه بقدرت رسیده اش کم کم به پایان رسید. حکومت اسلامی بتدریج نه تنها این جریان را در چپاچوب اختلافات شیعه و سنی افسار زده بود، بلکه همزمان پس مانده های آن را که بتواند قابلیت ابراز وجود و ایجاد مزاحمت مجدد در مقابل چپ در جامعه را از خود بروز دهد ذخیره کرد.

طی نزدیک به چهار دهه گذشته این جریان اسلامی سنی در سایه نیازهای سیاسی حکومت اسلامی، برای ایجاد مزاحمت در مقابل کمونیسم، برای مزاحمت در مقابل کارگرسوسیالیست، برای فرو کردن انگشت در چشم آزادیخواهی و مدرنیسم اجتماعی در کردستان، همچنان بازسازی شده است.

سرمایه مالی مکتب قرآن کماکان همانند روش سنتی همیشگی آن از جیب افراد و عناصر طرفدار این جریان و بخشا کمکهای دولتی تامین میشود. روی بخش ناچیزی از مردم تنگدست که هنوز پی به ماهیت ارتجاعی و مخرب آنان نبرده اند حساب باز کرده است. شرط و شروط همکاری با آنان حضور در مناسک دینی شان در

حزب کمونیست کارگری اعلام میکند که مهمترین و موثرترین گام برای در هم شکستن تروریسم اسلامی بزیر کشیدن حکومتهای اسلامی در منطقه و پاک کردن جامعه از باندهای اسلامی است.

کسب قدرت سیاسی کلید دست بردن به تغییر در اقتصاد است



متن پیاده شده سخنرانی محمد آستگران در بیست و ششمین سالروز تاسیس حزب کمونیست کارگری ایران

ضمن خوش آمد به شما این روز را به همه علاقمندان و کمونیستهایی که به این حزب توجهی دارند یا آنرا حزب خودشان میدانند یا یکی از خواسته هایش را خواست خودشان میدانند، تبریک میگویم، بویژه به کارگران و انسانهای مبارزی که به دلایل سیاسی و دفاع از کمونیسم و حقوق انسانی الان در زندانها هستند و امید دارند و پرچمی را میبینند و خودشان را فعال این راه و این سیاست میدانند.

وقتی بخواهیم از پدیده ای به اسم حزب کمونیست کارگری حرف بزنیم همچنانکه حمید تقوایی هم گفت نمیشود از منصور حکمت به عنوان معمار این حزب حرف نزد. هنگامیکه به روزهای اول تشکیل حزب برگشتم و خاطراتم را مرور کردم برای اینک در این جلسه بخواهم چیزی بگویم، توجه به این نکته جلب شد که تئوریا، بحثها، سیاستهای پایه ای این حزب قبلا هم بوده و اکنون هم خیلینها به آنها دسترسی دارند.

ولی آنچه چیزی که برای خودم به عنوان یک امر شخصی مرور کردم این بود که یاد روزی افتادم که کنفرانس کادرهای کمونیسم کارگری برگزار شد. این کنفرانس در شهر مالمو سوئد در سال ۱۹۹۱ برگزار شد. در این کنفرانس اکثریت کادرها اعضا و رهبری آن دوره که از حزب کمونیست ایران جدا شده بودند و این جدایی بعد از جدایی منصور حکمت اتفاق افتاده بود شرکت داشتند.

خوب بیاد دارم بحث بر سر این بود چرا از حزب کمونیست ایران که خودمان تشکیلش داده بودیم و این خط و این سیاست آن را تشکیل داده بود جدا شدیم، هر کس دلایل خودش را میگفت.

در آن کنفرانس یک استدلال عمومی وجود داشت آنهم این بود که جا برای من و سیاست من و این سنتهای مورد نظر من تنگ بود. زیرا با مانع و محدودیت پراتیک سنتهای دیگر مواجه میشد. بویژه اینکه آن دوره بلوک شرق در حال فروریختن بود و یا فرو ریخته بود.

بیاد دارم که تقریباً همه آن رفقای که در این کنفرانس شرکت کرده بودیم هر کدام میفرستند سخنرانی میکردند و توضیح میدادند چرا از آن حزب جدا شده و اکنون میخواهند به این حزب تازه که قرار ست تشکیل شود بپیوندند؟ منصور حکمت رو به من گفت تو نمیخواهی چیزی بگویی؟ گفتم چرا نکاتی برای گفتن دارم. یادداشتی نوشتم و منصور حکمت آنرا خواند. یاد داشتم این بود که جا برای من تنگ نبود. شاید جا خیلی هم گشاد بود. مشکل من این بود که تو از آن حزب بیرون آمدی. من ناچاراً بیرون آمدم. اگر تو میماندی روشن است که من میماندم.

دلیل طرح این بحث از جانب من این نبود که گویا من دنبال شخصیت منصور حکمت افتادم و هر جا میرفت گویا من هم میرفتم. نه، حقیقتش این بود که من قبل از آشنایی با منصور حکمت خودم را کمونیست میدانستم و مبارزه میکردم. در کومله به سهم خود نقش داشتم و نقشی که در توانم بود ایفا میکردم. اما نوع کمونیسمی که

اسرائیل بود. سرمایه داری خودی ظاهراً نه تنها بد نبود بلکه "بورژوازی ملی" در جبهه خلق بود. آزادیخواه بود. تازه همین چپ و همین نوع کمونیسم مسلط و کمونیسم رسمیت یافته انعکاسی از کمونیسم جهانی بود.

وقتی منصور حکمت پا به عرصه سیاست گذاشت با نقد این چپ و این ترمینولوژیها کل فرهنگ و سیاست و تئوری و بنیادهای فکری چپ ایران را متحول کرد. میدانم هنوز سنت آن چپ جان سخت، قویتر از ما است. اما کسی در میان آن چپ جرات نمیکند که از آن سیاستها و آن تئوریهای سابق دفاع کند. در آن سنت "اعدام انقلابی" مجاز شمرده میشد. در آن سنت آزادی فقط برای "خلق" بود. آزادی برای همه انسانها و همه شهروندان جایگاهی نداشت. دفاع از آزادی بیان همه شهروندان لیبرالیسم محسوب میشد. وقتی روزنامه میزان را تعطیل کردند و اتحاد مبارزان کمونیست از انتشار آن حمایت کرد و علیه تعطیل کردنش حرف زد گفتند اینها لیبرال هستند. لیبرال هم در فرهنگ آن چپ فحش محسوب میشد. هنوز کسانی به ما میگویند اینها سوسیال دمکرات هستند.

دلیلشان این است که میگویند حزب کمونیست کارگری از آزادی بیان همه آحاد مردم بدون در نظر گرفتن جایگاه و پایگاه طبقاتی آنها دفاع میکند. گناه کبیره ما این است که آزادی را فقط برای طبقه کارگر نمیخواهیم و این حق را مربوط به همه شهروندان میدانیم. این سیاست و خطی که حزب کمونیست کارگری بر مبنای آن ساخته شده است کاری کرده است که نه راست و نه چپ و نه حتی سلطنت طلبان و سازمان مجاهدین خلق هم جرات نمیکند بگویند ما طرفدار مجازات اعدام هستیم. تازه در خود ایران فشار علیه جمهوری اسلامی اینقدر زیاد شده است که ناچار شده اند از محدودیت برای اعدام حرف بزنند و سالها است که ناچار به توقف عملی مجازات سنگسار شده اند. ببینید فشار به کجا رسیده است رژیم اسلامی که با طناب دار توانسته سر پا بماند و بعد از انقلاب یک نسل کشی راه انداخت اکنون باید

از قابل شدن به محدودیت این پدیده حرف بزنند.

با این تحولات پایه های فکری، حزب کمونیست کارگری ایران درست شد. اما قبلاً حزب کمونیست ایران هم عمدتاً بر همین بستر شکل گرفته بود. خود تشکیل حزب کمونیست ایران و سنت داشتن برنامه سیاسی، دو عرصه مهم جدل کمونیسم ما با کمونیسم رسمی آن دوره بود. گروهها و سازمانهای آن دوره حزب درست نمیکردند چون تفکرشان این بود که حزب باید از درون طبقه کارگر و در پیوند با طبقه تشکیل بشود و بعد از چهل پنجاه سال فدایی و راه کارگر و... هنوز به آن حد نرسیده اند که بتوانند حزب تشکیل بدهند. این یعنی هنوز پیوند برقرار نشده و تشکیل حزب به آینده ای نامعلوم احاله شده است.

اما حزب توده که خودش را رفرمیست میدانست و اسلام برایش مقدس بود و آزادیخواه، در عین حال طرفدار پرو پا قرص شوروی و استالین بود و ناسیونالیسم ایرانی از خصایص بارزش بود حزب درست کرده بود. جریان راست و بورژوازی دیگر بر احوی حزیشان را درست کرده یا میکردند. اما سازمانهای چپ آن دوره میگفتند هنوز وقتش نرسیده است.

وقتی این ویژگیهای چپ سنتی ایران از مد افتاد، ترمینولوژیهای دیگری جایش را گرفت. کارگر، زن، کودک و حقوق انسانی، درست کردن حزب، داشتن برنامه و... برجسته شدند. وقتی اوایل از سکولاریسم و آتئیسم حرف زدیم همین چپ میگفت اینها خواسته های دمکراتیک است و اهمیتی ندارد. هنگامیکه جنبش دفاع از کودک راه افتاد، دیدیم که همینها که قبلاً یک کلمه در این مورد نگفته و ننوشته بودند متوجه شدند که این هم عرصه ای است. چون دفاع از حقوق کودک تاریخی و سنتی در گذشته این چپ و در تاریخ ایران نداشت. در مورد مجازات اعدام هم همینطور بود. اینها نو آوری یک چپ تازه و کمونیسمی بود که در نقد چپ سنتی ایران پا گرفته بود.

ممکن است نسل جدید و جوان ایران این مشکلات را نشناسد و یا نخوانده باشد اما اینها مشکلات راه پیشروی ما و کمونیسم کارگری بود

از صفحه ۳

کسب قدرت سیاسی کلید دست بردن ...

و این راه را طی کردیم که این کمونیسم فعلی تثبیت بشود و حزب کمونیست کارگری بر مبنای این پیشروها بنا شد.

اما اولین کاری که کمونیسم ما کرد و اولین سنتی که جا انداخت و چه برنامه سیاسی اعلام کرد. چه سنتی ایران را شکست داد این بود که برنامه سیاسی اعلام کرد. یک دوره جدال بر سر برنامه کمونیستی نقطه گرهی و نقطه عطف در چه ایران بود، که شما بتوانید کمونیسمی را که از آن دفاع میکنید، به جامعه معرفی کنید و بگویید از کدام نوع کمونیسم دفاع میکنید و چه چیزی برای گفتن دارید. یک دوره جدال بر سر تشکیل حزب و چگونگی تاسیس حزب بود که حزب هم تشکیل شد. هنگامیکه حزب کمونیست ایران تشکیل شد سخت ترین شرایط سیاسی در ایران حاکم بود. چه در حال هزیمت بود و شکستش را تجربه میکرد. اما این خط با تشکیل حزب امیدها را زنده کرد و تعرض را سازمان داد. اینها راهها و پلهایی بود که ساخته شدند و سنگرهایی بود که یکی بعد از دیگری فتح شدند تا بعدا حزب کمونیست کارگری بتواند تاسیس بشود.

اکنون همه میدانیم که امثال راه کارگر و گروههای فدایی و دیگر جریانات چه بعد از نزدیک به نیم قرن هنوز نتوانسته اند حزبشان را درست کنند.

اما با تشکیل حزب کمونیست کارگری در اوایل دهه نود میلادی اتفاقات دیگری هم افتاد که آخرین مقاومت چه سنتی ایران را کنار زد. نقد ناسیونالیسم و نقد مذهب، به شکل رادیکال و افراطی و شکستن تابوهای چه سابق از ویژه گیهای حزب کمونیست کارگری هستند. بنابر این سیستم فکری که جنبه هایی از آنرا اینجا ترسیم کردم تا کنون دو حزب در ایران و یک حزب در عراق درست کرده است که نه تنها از نظر سیاسی و تئوریک بلکه از لحاظ پراتیکی هم با تمام چه ماقبل خود و دوره حاضر هم متفاوت است.

با این حال بعد از تشکیل حزب کمونیست کارگری ایران یک موضوع مهم دیگری مطرح شد و هنوز با چه سنتی بر سر آن در جدل هستیم

آنهم بحث حزب و قدرت سیاسی است. ما با تثبیت یک نوع کمونیسم به جایی رسیدیم که بتوانیم اعلام کنیم که تشکیل حزب و فلسفه وجودی حزب برای گرفتن قدرت سیاسی است. اگر حزبی را مبینید که خود را چه و کمونیست مینامد و هدفش و استراتژیستش کسب قدرت سیاسی نیست بدانید آن حزب نه تنها کمونیستی و کارگری نیست بلکه جدی هم نیست.

زیرا کلید دست بردن به تغییر اقتصاد و انقلاب اقتصادی کسب قدرت سیاسی است. کمونیستی که قدرت سیاسی را نگیرد معلوم نیست چگونه میخواهد مناسبات تولیدی و اقتصاد سوسیالیستی را عملی کند. به ما میگویند اینها میخواهند حزبشان قدرت را بگیرد، نمیخواهند طبقه قدرت را بگیرد! متوجه نیستند در هیچ تاریخی نه قبلا و نه در تاریخ معاصر و نه در انقلاب اکتبر و کمون پاریس هم اینطور نبوده است که طبقه کارگر کشوری به عنوان طبقه قدرت را ابتدا کسب کرده باشد. حتی بورژوازی هم در هیئت طبقه، قدرت را کسب نکرده بلکه حزب آن طبقه قدرت را تصرف کرده است.

حزبی که این مسئله ساده و ابتدایی را یعنی کسب قدرت سیاسی را هدف خودش تعریف نکرده باشد با هر دلیل و توجیهی که داشته باشد و با هر تئوری و استدلالی که بیان کند آن حزب نه تنها کارگری و کمونیستی نیست بلکه حزب سیاسی جدی هم محسوب نمیشود. حتی اگر سوسیالیسم آرزوی قلبی چنین حزبی هم باشد اجرای آن برایش غیر ممکن است چون نمیتواند و مکانیسم آنرا نمیشناسد و یا میشناسد و قبول ندارد.

اما قدم بعدی و استنتاج از این بحث در این دوره و در خاورمیانه و ایران مهم است. هر حزبی خواهد به قدرت برسد ناچار است جنبش اسلام سیاسی را شکست بدهد. بنابر این چپی که نقد اسلام و اسلام سیاسی را جدی نگیرد و برای جنگ با آن آمادگی لازم را نداشته باشد آینده ای نخواهد داشت و بجایی نمیرسد. یکی از نقاط گرهی و کلیدی بحث کمونیسم کارگری و جدلش با

جریانات دیگر ایران این است که ما شکست جنبش اسلام سیاسی و حکومتش را جز اولیتهای خودمان قرار داده ایم. زیرا در هر کشوری بورژوازی با اتکا به یکی از جنبشهای دم دستش قدرت و حاکمیت خودش را توجیه میکنند. در ایران این جنبش، جنبش اسلام سیاسی است. ابزار ایدئولوژیک بورژوازی حاکم بر ایران اسلام سیاسی است و ناسیونالیسم نقش ثانوی دارد. در حکومت پادشاهی ناسیونالیسم حاکم بود و اسلام نقش ثانوی داشت. چه ایران نتوانسته این حقیقت را بپذیرد و یا بفهمد که جنبشهای بورژوازی در حیات و تثبیت حکومتها ی بورژوازی نقش تعیین کننده دارند. اساسا چنین موضوعی در سیستم فکری چه سنتی غایب است.

هر کسی و هر جریانی، حال کمونیستی یا غیر کمونیستی که بخواهد در ایران به قدرت برسد و تغییری حاصل کند ناچار است با جنبش اسلام سیاسی درگیر بشود و آنرا شکست بدهد. این یکی از محورهای جدل ما با جریانات دیگر است.

با این توضیحات اگر حزب کمونیست کارگری ایران را در دل فضای سیاسی ایران ارزیابی کنیم یک حزب سیاسی مطرح است در قامت و جایگاه معینی. ما کمبود و اشکال کم نداریم اما مشکل اصلی ما هیچکدام از آن مشکلاتی نیستند که مخالفین ما تا کنون گفته اند. ما مشکل خودمان را بهتر از هر کسی میدانیم و میشناسیم. مشکل امروز ما تا کسب قدرت سیاسی موانع قدرتمند شدن و پیدا کردن راه برای قوی شدن است.

زیرا ما میدانیم تنها با سیاست و برنامه و تئوری خوب نمیتوان به قدرت رسید و تغییری در زندگی مردم ایجاد کرد. پس ما ناچاریم برای کسب نیروی بیشتر و قدرتمند شدن همچنان راههای مختلف را طی کنیم. زیرا برای گرفتن قدرت سیاسی باید نیرو داشته باشید. بنابر این سیاست جمع آوری نیرو و سیاست کسب قدرت رابطه ای مستقیم با هم دارند. کسی که از قدرت سیاسی حرف بزند و راه قوی

شدن خودش را طی نکند در کسب قدرت سیاسی هم جدی نیست. حزب ما تلاش زیادی کرده است که این سیاست را اجرا کند اما موانع زیادی هم جلو روی ما هست. توقعی که من میتوانم مطرح کنم این است که آن بخش از جامعه که اهمیت این حزب و این سیاستها را میداند باید بیاید این حزب را تقویت کند و مال خودش کند.

فراخوان من به کسانی که این بحث را میشوند این است که این حزب یک حزب کمونیستی معین است در تاریخ معین و در جامعه معین با محدودیتهای معین. اما در ایران امروز تنها نقطه امید برای رهایی و خلاص شدن جامعه از تنگنانهایی فعلی، تقویت این حزب است. برای رسیدن به درجه ای از

خوشبختی و سعادت و رفاه این حزب ابزار مهمی است.

نباید اجازه داد این سیکل بیمار گونه دست به دست شدن قدرت و دیکتاتوری و فقر و محرومیت و زندان و اعدام و... باز هم تکرار بشود از ناسیونالیسم به اسلامیسیم و از اسلامیسیم به ناسیونالیسم. بالاخره باید کاری کرد تا نوبت مردم تحت ستم، برسد و به امری واقع و مادی تبدیل بشود. در هم شکستن این سیکل بیمار تا کنونی فقط با به میدان آمدن توده های مردم برای تعیین سرنوشت خودشان و تقویت حزب خودشان ممکن است.

پیروز و موفق باشید

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی:

سوند:
Sweden
Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

المان:
Germany
Rosa Mai
Konto. Nr.: ۵۸۳۶۷۵۰۲
Bankleitzahl: 37010050
Post Bank

کانادا:
Canada
ICRC
Scotiabank
4900 Dixie Rd, Mississauga
L4W 2R1
Account #: 84392 00269 13

هلند:
Bank: RABOBANK
Darande hesab: FVIN
Shomare hesab: 15 13 50 248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:
Bank of America
277 G street Blaine, Wa 98230
phone# 1-360-332-5711
Masoud Azarnoush
Account number : 41581083
checking (99)
wire: ABA routing #026009593
swift code # BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:
England
Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23
account holder: WPI
branch: Wood Green
Bank: NatWest
IBAN: GB77 NWBK 6024 2345۴۷۷۹۸۱
BIC: NWBK GB 2L

هر سوالی دارید میتوانید با آدرس و یا تلفن زیر تماس بگیرید:
سیامک بهاری: 0046739868051
markazi.wpi@gmail.com

شانزده آذر و زلزله در کردستان مصاحبه ایسکرا با نسان نودینیان



نسان نودینیان

مخالف حکومت اسلامی هستند. ناهماهنگی و همزمانی نبودن اعتراضات دانشجویان در کردستان با اعتراضات سراسری مساله مهمی است، باید کار در میان دانشجویان را دقیق تر و پیگیر و فعالانه پیش برد. تلاش ما این است که گرایش سوسیالیستی و کمونیسم کارگری را تقویت کنیم. در خارج از محیط دانشگاه ها در میان کارگران و معلمان، جنبش آزادیخواهی زنان، فعالین حقوق کودکان، فعالین محیط زیست، کمونیسم کارگری نفوذ و هژمونی سیاسی دست بالایی را دارد. اعتراضات آنها تحت تاثیر خواست و شعارهای کمونیسم کارگری است. ما باید تلاش کنیم محیط دانشگاه ها با فضا و موقعیت گرایش سوسیالیستی و رادیکال موجود در شهرهای کردستان را هماهنگ کنیم و البته هماهنگی و ارتباط نزدیک فعالین چپ و سوسیالیستی دانشگاه ها با فعالین دانشگاه ها در تهران و سایر شهرها اهمیت بالایی دارد.

ایسکرا: زلزله سپریل ذهاب فصل نوبنی از رابطه مردم در ایران با جمهوری اسلامی را استارت زد. پیامدهای زلزله در زندگی مردم در این مناطق و دستاوردهای همبستگی مردم با زلزله زدگان را چگونه تعریف میکنید.

نسان نودینیان: زمین لرزه ۲۱ آبان ماه ۱۳۹۶ ایران - عراق به بزرگی ۷/۳ ریشتریکی از قویترین زمین لرزه ها بود. در نیم قرن گذشته ما شاهد زمین لرزه های مهیب و فاجعه باری بوده ایم. هزاران نفر متاسفانه جان خود را از دست داده اند، هزاران نفر معلول شده اند و چند میلیون نفر از مردم آواره شده اند.

ایسکرا: شانزده آذر اعتراضات کارگری دانشگاه ها در ایران شتاب میگیرد، دانشجویان دست به تجمع و اعتراض میزنند. پرچم خواستهایشان را بلند میکنند و با اعتراضات گستره نارضایتی شان علیه حکومت اسلامی به نمایش میگذارند! در کردستان چه خبر بود؟

نسان نودینیان: ۱۶ آذر روز شناخته شده ای در سطح میلیونی در ایران است. برای دانشجویان، کارگران و معلمان و اقشار مختلف اجتماعی آشنا است. هر سال مراسم های اعتراضی در دانشگاه ها بمناسبت این روز برگزار میشود. در این روز دانشجویان مطالباتشان و اعتراضشان را به حکومت اسلامی به نمایش میگذارند. بیش از ۴ میلیون دانشجو در همه دوره های تحصیلی در دانشگاه ها هستند. اکثریت قریب به اتفاق آنها از طبقات زحمتکش و نارضای جامعه هستند. اکثریت قریب به اتفاق آنها با کمبود مالی و کمبود امکانات اسکان، بهداشت و تغذیه درگیر هستند. اعتراضات دانشجویان بخشی از اعتراضات کارگران، معلمان، پرستارها و بازنشسته ها به حقوق های زیر خط فقر است. اعتراضات امسال (۱۳۹۶) از ۱۳ آذر شروع شد. به نظر من اعتراضاتی رادیکال، بشدت تعرضی با خواستهای آزادیخواهانه و علیه سیستم حاکم و حکومت اسلامی بود. اعتراضات در ظرفیت برگزاری میتینگ و تجمع در دانشگاه ها و تاتر خیابانی برگزار شدند. بیانیه بیش از ۳۲ تشکل دانشجویی به مناسبت ۱۶ آذر هماهنگی و اتحاد دانشجویان را در طرح مطالبات مشترک تقویت کرد.

در ارتباط با اعتراضات دانشجویان در شهرهای کردستان ما متاسفانه شاهد تجمعات آنها نبودیم. در کردستان بیش از ۶۲ هزار دانشجو در دانشگاه ها حضور دارند، در شانزده آذر امسال ساکت بودند. ترکیب طبقاتی و مطالبات دانشجویان در کردستان جدا از خواست و موقعیت طبقاتی دانشجویان در سطح سراسری نیست. دانشجویان در کردستان

در ابتدای آشنایی با این جمع، دوستان قدیمی به من هشدار میدادند که حواست باشد اینها حزبی هستند. اینها حزب کمونیست کارگری هستند. اما جوابشان را همان اول داشتم. در دلم میگفتم من هم همفکر همین حزب هستم. من هم این همه سال طرفدار فکری بودم که بگه همه انسانها برابرند و فرقی ندارد که جنسیتش چه باشد و یا فراجنسیتی باشد. این چنین بود که گره ها تک به تک برایم باز شدند. و چقدر لذت میبرم که می فهمم این دوستانم چه میگویند. و وقتی به آنها میگفتم چقدر زیبا توضیح میدهند، با طبع بلندشان میگویند منصور حکمت را بخوان تا بیشتر به کنه این بحث ها آشنا شوی. ما هم منصور حکمت را خواندیم یک دنیای بهتر را خواندیم و اکنون دستمان پر است. من هم رهرو همین روش و بینش شدم.

من که در اول به خاطر اینکه در سیستم سرمایه داری مدرسه رفته بودم و دانشگاه رفته بودم و کار کرده بودم و هر لحظه در زندگی این تفکرات رو به من تزریق کرده بودند که راهی جز رقابت و سود نیست، از همین رو معنای زندگی بهتر رو نمی فهمیدم و در مخیله ام هم نمی گنجید که چطور می شود نوع دیگری هم از زندگی وجود داشته باشد. حالا حرفهای دوستان عزیزم را می فهمم، حالا می فهمید حمید تقوایی از مدینه فاضله غیر ممکن حرف نمی زند. حالا می فهمید منظور شهلا دانشفر چیست و و حالا افتخار می کنم که من هم جزئی از این ۹۹ درصدیها هستم که این حزب به آنها تعلق دارد.

جالب اینجاست که مادرم هم که قبلا از کار با محافل چپ سنتی قبل هراس داشت. الان مشوق من است. و میگوید من هم فعال چنین حزبی هستم. فعال چنین جنبشی برای رهایی بشریت هستم. این چنین است که حزب به قلب جامعه وارد میشود. سالگرد حزب را تبریک میگویم.

۱۶ آذر ۱۳۹۶

زنده باد انقلاب انسانی
برای جامعه ای انسانی!

اما حرف خودم را میزنم. اینجا بود که از یکسو شکاف اصلی خودم را با چپ های سنتی که همیشه حاشیه نشین بودند، را دیدم. تا اینکه بعد از سرکوبهای ۸۸ با دوستانی آشنا شدم که مسیر زندگی را عوض کردند. اولین تفاوت این دوستان این بود که از من مسئولیت کاری را خواستند. احساس زیبایی به من دست داد. اما با توجه به تجربه ای که از فعالیت های گذشته ام داشتم، محتاطانه گفتم ولی بدانید که من شاغلم و وقت زیادی نمیتوانم بگذارم. صمیمانه لبخند زدند و گفتند که در همان وقتی که داری هر کاری بکنی، ارزشمند است، چون تو را می شناسم و قابلیت های زیادی داری. پاسخشان به دلم نشست. کار را بر عهده گرفتم و با وجود همه گرفتاریهایم تمام تلاشم را می کردم که آنرا بخوبی به انجام برسانم. شور و حال تازه ای در خودم میدیدم. بویزه در فعالیت های گذشته ام همیشه یک احساس تلخی که داشتم این بود که خیلی پرشور کار می کردم، اما احساس می کردم دیده نمی شوم. پشت صحنه بودم. و تنها دلخوشی ام این بود که داریم کار مهمی انجام میدهیم. داریم اعتراضی را به پیش میبریم. این رو بارها در محافل قدیم دیده و شنیده بودم که ما آدمای خاص و باقی مردم عادی هستیم و من از این تفاوت قائل شدم متنفر بودم و همیشه به آن اعتراض داشتم و بحث می کردم و بحث ها نیز نتیجه ای نمیداد. اما با این دوستان دریچه دنیای نوبنی به رویم باز شده بود. که همه چیز متفاوت بود. در این جمع جدید خبری از قضاوت های ایدئولوژیک و اخلاقی نبود بلکه همه فوکوس این بود که ما مطالبه و اعتراض مشخصی داریم و این مطالبه رهایی همه مردم از این بربریت و نجات انسانهاست. افکار نوبنی که دلم را روشن کرد. و این همان چیزی بود که سالها می خواستم اما نمی دانستم چیست و بدنبالش بودم. من دنبال مطالبات مردم جامعه برای آزادی و برابری و انسانیت بودم و این را پیدا کردم. حالا هدفم روشن بود. و هر لحظه با هر کار بازتاب و تاثیراتش را در جامعه میدیدم. جالب اینجاست که

چگونه حزبی شدم

کاله شاد

از زندگی ام شروع میکنم، تا بگویم چگونه حزب را پیدا کردم و چگونه زندگی ام متحول شد. من در خانواده ای بزرگ شده ام، که سیاسی هستند. از اینرو همیشه بر روی خانواده ما حساسیت بوده است. یک شگرد ه پلیس جمهوری اسلامی همیشه این بوده که در مدارس از بچه ها حرف بکشد و در زندگی انسانها تجسس کند. بادمه اولین بار که کودک دبستانی بودم و با جویبی شدم با سوالات عجیب و غریب معلم و مدیر مدرسه روبرو شدم. آنها من رو از کلاس درس به دفتر مدرسه بردند و سوالاتی کردند که اصلا برایم مفهوم نبود و بعد که با پدر و مادرم تعریف کردند، آنها سعی کردند توضیح دهند که منظور چه بوده است. می خواهم بگویم که این چنین بود که وارد سیاست شدم. نوجوان بودم که وارد نشست های مطالعاتی شدم. اما از بحث ها اصلا سر در نمی آوردم. همه توضیحات بزرگترها این بود که این ها را باید بخوانی تا سیاسی شوی و بدانی چرا مخالف وضع موجودی. من هم سرم را تکان میدادم و گیج در افکار خودم بود. اما این برایم مسلم بود که این وضعیت را نمخواهم و از این همه تبعیض و بی حقوقی بیزارم. برای همین پیگیر بودم تا بالاخره به ریشه دست پیدا کنم. تا سال ۸۸ به همین روال گذشت. از گروه های آنچنانی که خود را چپ میدانستند خسته شده بودم. جمع هایی که چپ بودند اما افکارشان را خراش میدادی ملی - مذهبی بودند. حتی آرایش کردن و عینک دودی زدن و کمی به سر و وضع رسیدن را به فساد تشبیه میکردند. با محافل اصلاح طلبها که عمدتاً طرفداران خاتمی بودند ارتباطی داشتم و در سال ۸۸ این ها تحریک پیدا کرده بودند. من هم با آنها به خیابان میرفتم و میدیدم فرصتی شده که مردم هم بیرون هستند. میدیدم مردم بخاطر همان چیزهایی که من هم اعتراض دارم به خیابان آمده اند. بنابراین من که هنوز جایم را پیدا نکرده بودم، همراه این دوستان "اصلاح طلب" به خیابان میرفتم.

یادداشت‌های هفته:

یکی از رازهای بقا!

عبدل گلبریان

خامنه ای از علیرضا کریمی دعوت کرد که به نزد او برود. خامنه ای به علیرضا کریمی گفت:

"کار بزرگ شما از سنخ کار پهلوانان نامداری همچون پوریای ولی بود. من از اینکه نشان دادید جوانی از جوانهای ما حاضر است برای یک هدف بزرگ و بلند پا بر روی نفس خود بگذارد و از حق قطعی و قهرمانی مسلم صرف نظر کند، واقعاً احساس عزت کردم. قدر این کار را بدانید و اجر معنوی آن را از خدا بخواهید، البته مسئولان نیز نباید در تجلیل و پاداش مادی کوتاهی کنند"

ماجرای تمکین کردن علیرضا کریمی به باخت با حریف اسرائیلی را همه میدانند. حاشیه‌های سخنان خامنه ای در مورد تشبیه "صفت" کریمی به "سنخ پوریای ولی" و "پاداش مادی" به او، همان کلاه گشادی است که ولی فقیه برای کریمی و امثال او دوخته است. اصل داستان چیزی است که چندان

خود هویت ساخته است و این تنها یکی از رازهای بقای حکومت اسلامی است. این در حالی است که ورزشکاران فلسطینی طی سالین متمادی تا به امروز در تمامی عرصه های ورزشی بدون تره خورد کردن برای دایه مهربانتر از مادر، در مصاف با حریفان اسرائیلی در میادین ورزشی روبرو شده و مسابقات را به سرانجام رسانیده و اجازه نداده اند که حتی جیره خواران دست ساز حکومت اسلامی نظیر، حماس و حزب الله در فلسطین آنان را به ابزاری برای اعمال تحقیر در جهت بقای خود تبدیل کنند.

مردم فلسطین و مردم اسرائیل دشمن مشترکی دارند که در هیبت دولت اسرائیل، دولت فلسطینی، حماس و حزب الله تاریخا تا به امروز به بقای خود ادامه داده اند. در این میان خامنه ای نیز برای بقای این نظام سراپا ضد انسانی آتش بیار معرکه ای است که مردم فلسطین و مردم اسرائیل نتوانند لحظه ای روی خوش از زندگی را در کنار هم تجربه کنند.

خاصیت توهین، تحقیر، بی حرمتی و شکستن کرامت انسانی ورزشکاران در رقابتهای ورزشی با ورزشکاران اسرائیلی توسط حکومت اسلامی، تنها برای پز ضد اسرائیلی در خدمت به تداوم عمر حکومت ننگین اسلامی است. زمانی که مردم ایران به کابوسی که حکومت اسلامی در منطقه ایجاد کرده است پایان دهند، آرزو شروع کنار زدن دمل چرکین حاکمان اسرائیل و حاکمان فلسطین در منطقه و سرآغاز جشن شادی، جشن همسرنوشتی و شکوفایی آرزوهای انسانی بین مردم اسرائیل و مردم فلسطین نیز خواهد بود.

۱۱ دسامبر ۲۰۱۷



ورشکستگی احزاب جنبش ناسیونالیسم قومی و اسلامی کرد

کردستان عراق و دین چینی خواب و خیال آشفته ای برای مردم کردستان ایران نیست. مردم کردستان ایران با مشاهده سناریوی بیش از دو دهه احزاب ناسیونالیست کرد در کردستان عراق، این خواب و خیال آشفته ناسیونالیسم قومی اردوگاهی را با سنتهای جا افتاده چپ و سوسیالیستی برهم خواهند زد. احزاب حاکم بر کردستان عراق هم باید مطمئن باشند که مردم مبارز و شرافتمند کردستان عراق بساط احزاب عشیره ای، قومی، اسلامی و ناسیونالیست کرد در کردستان عراق را یکبار برای همیشه جارو خواهند کرد.

۱۷ دسامبر ۲۰۱۷



شکست مفتضحانه احزاب و جنبش ناسیونالیست کرد در ۱۶ اکتبر ۲۰۱۷ (ماجرای کرکوک) که شکستی برای تمامی احزاب و جنبش ناسیونالیست، قومی و اسلامی در منطقه بود، کوبیده شدن میخ بر تابوت ورشکستگی سیاسی، بن بست ویی افقی این جریانات بود.

مهتره های جنبش گوران (اصلاح طلبان) کرد در کردستان عراق که پایی در حکومت و نیم پایی را هم بعنوان "اپوزسیون" از خود بنمایش میگذارند، بارها به مردم نشان داده اند که معنی "گوران" یا همان اصلاح طلبی چیزی جز تعرض هر چه بیشتر به سطح معیشت زندگی مردم برای بقای ناسیونالیسم قومی اسلامی حاکم بر کردستان عراق نیست.

افق، اهداف و سیاست ورشکسته احزاب قومی ناسیونالیست اپوزسیون کرد اردوگاه نشین نیز چیزی جز کپی برداری از کارنامه ننگین بیش از دو دهه و نیم احزاب حاکم بر اقلیم

اوایل هفته جاری پست استاندار سلیمانیه به شخصی بنام "هفشال نبویهکر" کاندید جنبش گوران یا همان اصلاح طلبان درون حکومت اقلیم واگذار شد. او در سوگند نامه اش بر قرآن و کتاب مقدس که سوگند نامه تمام جنبشکاران تاریخ برای به فلاکت کشانیدن زندگی مردم و احزاب پست ها برای حفاظت از سیستم مشتکی فاسد و مفتخور است، هنوز بر صندلی صدارتش تکیه زده بود که دستور حمله به دستفروشان بازار شهر سلیمانیه را صادر کرد.

مردم زحمتکش و شرافتمند کردستان عراق در دوران رژیم بعث صدام حسین چنین صحنه هایی از قلدری و زورگویی که احزاب حاکم بر اقلیم کردستان اعمال کرده اند را لااقل کمتر دیده بودند.

مردم کردستان عراق نسبت به احزاب حاکم بر کردستان عراق توهم ندارند. بارها برای تعیین تکلیف نهایی با ناسیونالیسم قومی و اسلامی کرد به میدان آمده اند.

ناسیونالیسم کرد و جریانات اپوزیسیون بورژوازی کردستان عراق، نظیر اتحادیه میهنی و حزب دمکرات کردستان عراق باید به عنوان نمونه های مجسم ضدیت ناسیونالیسم با منافع زحمتکشان، و حتی امر رفع ستم ملی، افشاء شوند. عملکرد ناسیونالیسم کرد در بحران خاورمیانه، از جمله تبدیل توده های وسیع یک ملت محروم به زائده سیاست امپریالیستی، تأیید صریح تهاجم آمریکا به مردم محروم عراق از کرد و عرب، تعمیق شکافهای ملی میان زحمتکشان عرب و کرد، ائتلاف با ارتجاعی ترین نیروهای محلی نظیر بنیادگرایان شیعی در عراق، قیچی کردن روند اعتراض توده های و مردمی به نفع بند و بست از بالا برای کسب قدرت، حکم ورشکستگی سیاسی این جریانات را صادر میکند. نه تنها آرمان کمونیسم، بلکه امر رفع ستم ملی نیز در کردستان بدون تسویه حساب سیاسی با این جریانات و شناساندن مکان تاریخی و واقعی آنها به توده های زحمتکش کرد قابل تحقق نیست. سمپاتی و حمایت کمونیستها از مردم زیر سرکوب کردستان عراق به هیچ وجه به معنای تأیید و حمایت احزاب ناسیونالیست کرد، که خود سهم مهمی در سوق دادن مردم کردستان به این فاجعه داشته اند، نیست و هیچ نوع همبستگی و حمایت از این نیروها موجه نیست.

منصور حکمت ۱۹۹۱

هزاران نفر از بازنشستگان دست به تظاهرات زدند

کردن بازنشستگان مجبور به عقب نشینی شد. علاوه بر نیروی انتظامی که تعدادشان خیلی زیاد بود، تعداد زیادی از اوباش لباس شخصی نیز حضور داشتند اما نتوانستند مانع حرکت بازنشستگان و شعارهای تند آنها علیه حکومت و مقامات حکومت شوند.

در قسمتی از تظاهرات که مالبختگان نیز به بازنشستگان ملحق شده بودند، افراد معدودی الله اکبر سر دادند تا تصویر زننده ای از تظاهرات بدهند که این شعار کریه با شعارهای دیگر جمعیت خفه شد.

در تجمع امروز تهران، بازنشستگانی از شهرهای دیگر از جمله تعداد قابل توجهی از بازنشستگان فولاد نیز حضور داشتند. همزمان در همدان و اصفهان بازنشستگان دست به تجمع زدند و همبستگی شان را با تجمع امروز تهران اعلام کردند. لازم به توضیح است که بازنشستگان فولاد کرمان نیز روز ۲۰ آذر دست به تجمع خواهند زد.

اعتراضات پی در پی بازنشستگان در تهران و شهرستانها، اعتصابات وقفه ناپذیر کارگری از جمله اعتصاب و حرکت تند کارگران نیشکر هفت تپه و تجمعات باشکوه و گسترده دانشجویان در دانشگاههای مختلف فضای سیاسی و رادیکال جامعه را بخوبی نشان میدهد. اعتراضات و نفرت و نارضایتی و همبستگی میان مردم چنان گسترده و عمیق است که جمهوری اسلامی قادر به جلوگیری از اعتراضات و اعتصابات نیست. وقت آن است که از فضایی که به قدرت این اعتراضات ایجاد شده، برای متشکل شدن استفاده کنیم و همه جا تشکل های خود را ایجاد کنیم و با قدرت بیشتری دزدان و جنایتکاران حاکم را در همه زمینه ها عقب برانیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۹ آذر ۱۳۹۶

۱۰ دسامبر ۲۰۱۷



روز ۱۹ آذر بازنشستگان لشگری و کشوری و تامین اجتماعی از تهران و برخی شهرها در مقابل مجلس تجمع کردند و علیه اسلامی و علیه فقر و تبعیض و محرومیت شعار دادند و خواهان افزایش حقوق بالای چهار میلیون تومان، رفع تبعیضات و ایجاد امکانات عادلانه برای همه مردم در تمام زمینه های مادی و معنوی شدند. به گفته بازنشستگان بین ۱۰ تا ۱۵ هزار نفر در تظاهرات پرشور امروز حضور داشتند. نیروی انتظامی خواست با ایجاد دیوار گواشی مانع حرکت آنها به طرف مجلس شود اما بازنشستگان بسرعت این مانع را پشت سر گذاشتند و نه تنها در پیاده رو بلکه در خیابان مقابل مجلس هم تجمع کردند، اوباش مجلس و نیروی انتظامی را هو کردند و اعلام کردند که کوتاه نمیایم. این بزرگترین تجمع بازنشستگان در ۹ ماه اخیر بود.

نیروی انتظامی با بلندگو مدام میخواست که بازنشستگان متفرق شوند اما بازنشستگان حدود ۵ ساعت در مقابل مجلس شعار دادند: دولت مجلس بس است فریب ملت، یه اختلاس کم بشه مشکل ما حل میشه، فریاد فریاد از اینهمه بیداد، معیشت منزلت حق مسلم ماست، اینهمه بیعدالتی هرگز ندیده ملتی، خط فقر ۴ میلیون حقوق ما یک میلیون. با پلاکاردهای متعددی نیز در دست بازنشستگان دیده میشد: تا حق خود نگیریم از پا نمی نشینیم و ما خواهان ایجاد امکانات عادلانه برای همه و در تمام زمینه های مادی و معنی هستیم. هر کدام از نمایندگان مجلس که در مقابل بازنشستگان عبور میکرد هو میشد و معلمان با اشاره به مجلسیان شعار میدادند پلیس برو دزد رو بگیر و یا حقوق بازنشسته زیر عبا است امروز و بدینوسیله نمایندگان مفتخور مجلس را تحقیر کردند و بعنوان دزد و اختلاس گر علیه شان شعار دادند. نیروی انتظامی چندین بار به جمعیت حمله کرد و برخی را مورد ضرب و شتم قرار داد اما با هو

کارگران نیشکر هفت تپه دست به اعتصاب یکپارچه زدند و با خانواده های خود جاده را مسدود کردند کارگران همه حقوقشان را میخواهند

کارگران مسکوت گذاشته شد. همچنین معاون وزیر اقتصاد با حضور در میان کارگران، ضمن وعده بروز رسانی حقوقهای آنان طبق زمان بندی انجام شده، اعلام کرد هیچ کارگری اخراج نخواهد شد و اگر اسد بیگی که شرکت نیشکر هفت تپه را خریداری کرده است به تعهداتش پایبند نباشد، قرارداد با او فسخ خواهد شد. اما کارگران در مقابل وعده های او بطور یکپارچه اعلام کردند این وعده ها دروغ است و حقوقهای معوقه ما باید فوراً پرداخت شود.

زمزمه ادامه اعتصاب در میان کارگران نیشکر شنیده میشود. کارگران بازنشسته ای که چکهای صادره از سوی کارفرما به آنان وصول نشده است نیز اعلام کرده اند فردا ۲۰ آذرماه جهت پیگیری دریافت چکهای خود در محل کارخانه دست به تجمع خواهند زد.

کلیه حقوق های معوقه کارگران فوراً و بدون هیچ عذر و بهانه ای باید پرداخت شود، حق بیمه آنها توسط کارفرما نیز فوراً پرداخت شود و مزدوران حراست از کارخانه اخراج شوند. شکل دادن به گروههای مدیای اجتماعی توسط کارگران نیشکر هفت تپه و بحث و تبادل نظر جمعی در این گروهها و حضور خانواده های کارگران در تجمعات، دو ابزار مهم کارگران برای حرکت یکپارچه و قدرتمند است که میتواند بعنوان الگویی توسط کارگران سایر مراکز کارگری بکار گرفته شود. استفاده فعال از مدیای اجتماعی و حضور خانواده ها در تجمعات اعتراضی، تجربه گرانهایی است که از معلمان و بازنشستگان شروع شده و از کارگران پیشرو انتظار می رود که تلاش کنند این تجارب گرانها را به سرعت به سایر مراکز کارگری در سراسر کشور سرایت دهند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۹ آذر ۱۳۹۶

۱۰ دسامبر ۲۰۱۷



شکستند و او تا آخرین ساعات اداری جرات نکرد از ساختمان مدیریت خارج شود. در اعتصاب امروز نیز کارگران خشمگین از قول و قرارهای توخالی مدیریت، برخی مکانهای کارخانه از جمله آزمایشگاه را مورد حمله قرار داده و گروه دیگری از کارگران شیشه های دفتر مدیریت را شکستند و بار دیگر سیامک نصیری افشار قائم مقام کارخانه را محبوس کردند.

بنا به گزارش اتحادیه آزاد، بدنال اعتصاب و حرکت قدرتمند کارگران، ساعت ده صبح فرماندار بدنال آن رئیس اداره اطلاعات و فرمانده انتظامی شوش وارد شرکت شدند و ساعتی بعد نیز معاون وزیر اقتصاد و معاون وزیر کار در کارخانه حاضر شده و ضمن گفتگو با کارگران با قائم مقام و دیگر مسئولین کارخانه نشست بر گزار کردند. در پی این نشست، علاوه بر حقوق مردادماه کارگران روزمزد که آخر وقت دیروز پرداخت شده بود حقوق مرداد ماه کارگران و کارمندان دیگر بخشها منجمله تجهیزات، آتش نشانی، بازرگانی و اموراداری نیز به حساب آنان واریز شد. همچنین به کارگران قول داده شد تا پایان این هفته، یکماه دیگر از دستمزد معوقه آنان تسویه و در پایان هر ماه، یکماه از دستمزد معوقه کارگران تا زمان تسویه کامل پرداخت خواهد شد. اما چگونگی پرداخت معوقه های سال ۹۴ و برخی دیگر از مطالبات

کارگران نیشکر هفت تپه در دومین روز اعتصاب، حرکت قدرتمندی را همراه با خانواده های خود سازمان دادند. کارگران، برق کارخانه را قطع کردند، مدیریت را در دفتر محبوس کردند و همراه با خانواده های خود جاده منتهی به کارخانه را بستند. در اعتصاب امروز همه بخش های کارخانه از جمله رانندگان سرویس های ایاب و ذهاب بطور یکپارچه دست از کار کشیدند.

طبق گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، روز ۱۸ آذر کارگران روزمزد و بخش کشاورزی شرکت با خواباندن کار در اقدامی خشمگینانه با در دست داشتن ابزارهای کار خود از قبیل بیل و قلمه برداشت نیشکر وارد کارخانه شدند و با بستن درب اصلی و درب ورود تریلرها، کوره های بخار و آسیابها را خاموش و تعدادی از مسئولین شرکت منجمله کریم پور مدیر بخش کشاورزی و عباس خنیفر مدیر حراست را کتک زدند و در پی جواب فتحیان پور رئیس بانک ماشین آلات که بدنال اعتصاب کارگران قسمت پنچگیری به آنان اعلام کرده بود همگی اخراجید او را مورد حمله قرار دادند. مومن غریب مدیر صنعت شرکت و مدیران دیگر قسمتها نیز از ترس کارگران خود را مخفی کردند. کارگران شیشه های ساختمان مدیریت را نیز، که سیامک نصیری افشار مدیر کارخانه در آنجا مخفی شده بود،

نگاه هفته:

مجموعه اخبار و گزارشات
هفته از شهرهای کردستان

فسان نودیبیان

بیتوش تیراندازی مامورین نظامی حکومت اسلامی بسوی کولبران

شبه هجدهم آذرماه، نیروهای نظامی حکومت اسلامی در روستای "بیتوش" از توابع منطقه آلان سردشت کولبران را مورد تیراندازی قرار داده که در پی آن چندین رأس از اسبهای بارکش تلف شدند. نظامیان حکومتی پس از تلف کردن اسبهای بارکش کاسبکاران، اموال آنان را ضبط و با خود برداند. نظامیان حکومتی لاشه اسبهای بارکش را به خودروهای نظامی بسته و بر روی زمین کشیده‌اند، بطوریکه لاشه شماری از اسبها قطعه قطعه گردید.

حادثه گازگرفتگی زیر چادر موجب مصدومیت يك کولبر شد یکشنبه نوزدهم آذرماه، "رحمان" اهل روستای "دزلی" از توابع مریوان در چادرش دچار گازگرفتگی شد.

رحمان به کمک چند کولبر به مراکز درمانی کردستان عراق منتقل و با معالجه پزشکی به موقع از مرگ نجات یافته است.

برف و کولاک جان کولبر را گرفت

شامگاه پانزدهم آذرماه، گروهی از کولبران در مناطق مرزی میان کردستان ایران و اقلیم کردستان عراق در کوهستان "شتره" گرفتار برف و کولاک شده‌اند و در نتیجه يك کولبر به نام "ادریس بایزیدی" ۲۵ ساله اهل روستای "سنگان" از توابع اشویه جان خود را از دست داد.

کارگر کولبر بر اثر سقوط از ارتفاع در کوهستان "ته ته" در اورامان به شدت زخمی شد!

هجدهم آذرماه، "سیروان" کارگر کولبر اهل روستای "المانه" از توابع مریوان بر اثر سقوط از ارتفاع در کوهستان "تغه" در اورامان به شدت

زخمی و جهت معالجه پزشکی به بیمارستان انتقال یافت. سیروان از ناحیه پشت به شدت آسیب دیده و وضعیت عمومی وی وخیم گزارش شده است.

احضار محمد عزیزی فعال کارگری به اداره اطلاعات سنندج روز دوشنبه بیستم آذرماه، اداره اطلاعات سنندج محمد عزیزی، فعال کارگری و از اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری را احضار و از وی خواسته است که روز سه‌شنبه بیست و یکم آذرماه خود را به این اداره معرفی نماید.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری عضویت این فعال کارگری را در این کمیته تایید و در بیانیه‌ای احضار، بازداشت، محاکمه و زندانی کردن کارگران و فعالین کارگری را به بهانه‌های امنیتی محکوم کرده و خواستار آزادی آنان شده است.

در همین رابطه نیز، روز یکشنبه دوازدهم آذرماه، محمد کریمی از فعالان شهرستان بوکان جهت اجرای حکم توسط ماموران در منزل شخصی‌اش بازداشت و روانه زندان بوکان شد.

محمد کریمی پنج سال پیش، بیست و ششم خردادماه ۹۱ به همراه شماری از فعالان کارگری در مجمع عمومی سالیانه کمیته هماهنگی بازداشت و یکسال بعد، بیست و پنجم آذرماه با چند تن از اعضای کمیته هماهنگی به نام‌های "هادی تنومند، جمال میناشیری، قاسم مصطفی‌پور و ابراهیم مصطفی‌پور" از سوی شعبه یکم دادگاه انقلاب مهاباد محاکمه و به اتهام "عضویت در کمیته هماهنگی و شرکت در مجمع عمومی این تشکل در سال ۹۱ در شهر کرج" به تحمل سه سال حبس تعزیری محکوم شده بود.

کاهش بیمه کارگران رفتگر شهرک‌های صنعتی سنندج گزارشات رسیده از شهرک‌های

صنعتی شماره ۱ و ۳ سنندج حاکی است که بیمه کارگران رفتگر این شهرک‌ها کاهش یافته است. بنابه این گزارش، هیئت امنای شهرک‌های صنعتی شماره ۱ و ۳ سنندج، بیمه کارگران رفتگر را از ۳۰ روز در ماه به ۱۵ روز کسر کرده‌اند که این مسئله باعث اعتراض کارگران رفتگر شده است.

لازم به ذکر است این کارگران از هیچ گونه امنیت شغلی برخوردار نمی‌باشند و هر کدام از آنان اگر به کار هیت امنا اعتراض کند، سریعاً اخراج می‌شود. در همین حال این کارگران به صورت قراردادی و دستمزد بسیار نازل مشغول به کار هستند.

بازداشت محمد کریمی از اعضای کمیته هماهنگی شهر بوکان بر اساس خبر دریافتی روز یکشنبه ۱۲ آذر ۹۶، محمد کریمی توسط مامورین در منزل‌اش دستگیر شد و برای اجرای حکم سه سال حبس تعزیری روانه زندان بوکان گردید.

محمد کریمی از اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری است که در تاریخ ۲۶ خرداد ۱۳۹۱ به همراه جمع کثیری دیگر از فعالین کارگری در مجمع عمومی سالیانه کمیته هماهنگی بازداشت گردید. این فعال کارگری پس از آزادی از بازداشتگاه کرج، به همراه چهار نفر دیگر از فعالین کارگری بوکان، توسط نیروهای امنیتی این شهر بازداشت شد. محمد کریمی پس از ۱۶ روز با قرار وثیقه آزاد گردید.

یک سال بعد و در تاریخ ۲۵/۹/۹۲ محمد کریمی به همراه دیگر اعضای کمیته هماهنگی به نام‌های، "هادی تنومند، جمال میناشیری، قاسم مصطفی‌پور و ابراهیم مصطفی‌پور" توسط شعبه اول دادگاه انقلاب شهر مهاباد محاکمه شدند. اتهام این فعالین کارگری عضویت در کمیته هماهنگی و شرکت در مجمع عمومی این تشکل در سال ۹۱ در شهر کرج بود. اما در جلسه‌ی دادگاه، ۵ عضو کمیته بهمانگی از فعالیت‌های شان در کمیته هماهنگی به منظور دفاع از حقوق کارگران و کمک به امر تشکل‌یابی آنها دفاع کردند. در این دادگاه، محمد کریمی به تحمل سه

تحصیل رایگان
حق همگان!

آموزش عمومی اجباری و رایگان تا سن ۱۶ سالگی
آموزش عالی رایگان و در دسترس برای همه متقاضیان



آموزش حق همه است و دسترسی افراد به آموزش و دوره‌های آموزشی باید کاملاً از سطح درآمد خانواده مستقل باشد.



باید حقوق
مقامات
و مدیران
جمهوری اسلامی
به جامعه
اعلام شود!

سال حبس تعزیری محکوم شد. شهرهای مختلف ایران مواجهه بوده اند. تنها فعالیت آنها در این سال ها، در راستای آگاهگری و سازمان‌یابی کارگران در دفاع از کار و معیشت شان و مقابله با هجوم و تعرض سرمایه داری به سفره خالی هم طبقه‌ای‌های شان بوده است. ما از همه کارگران و تشکل‌های کارگری می‌خواهیم که دستگیری محمد کریمی را محکوم کرده و خواستار آزادی بدون قید و شرط این فعال کارگری شوند. جای کارگران و فعالین کارگری در زندان نیست! کارگران زندانی باید آزاد شوند!

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری دوازدهم آذر ۱۳۹۶



اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان عزیزه لطف الهی

بازداشت شده بودند، به زندان ایلام منتقل کردند.

بخش هایی از نامه آتنا دائمی به مناسبت روز حقوق بشر

ایرانی که حاکمانش آن را اسلامی و مهد دموکراسی و عین حقوق بشر معرفی میکنند اما کمترین و حداقلی حقوق انسان ها در آن نقض میشود.

برای مثال از افزایش آمار اعدام ها نگرانیم و به همان میزان نگران از افزایش ارتکاب جرم های وحشتناک به سبب اعمال محدودیت های فراوان به بهانه اسلام، اخیرا شاهد تجاوز های بی در پی به کودکان خردسال و زنان هستیم و به جای پرداختن به چرایی این اتفاقات به سبب قوانین غیر انسانی اعدام و قصاص، چوبه های دار هر روزه ده ها انسان را از پا در می آورند.

وجود مشکلات پیش روی جوانان برای ادامه تحصیل، تفریح، کار و ازدواج و از طرفی نگاه های تبعیض آمیز و ایزاری به زنان و کودکان، وضعیت هم جنس گرایی که به رسمیت شناخته نمی شوند، اقلیت های دینی و مذهبی مانند بهاییان که همچنان اجازه کار و تحصیل ندارند و زرتشتی ها که از مشاغل دولتی اخراج می شوند و سنی ها که سال هاست مورد بی توجهی قرار گرفته اند و از بازداشت و صدور حبس های طولانی برای فعالان مدنی و سیاسی که همچنان ادامه دارد، همه این موارد نقض فاحش ابتدایی ترین حقوق انسان هاست که متأسفانه تمام این موارد یا انکار میشوند و یا با مسائل مذهبی و سیاسی توجیه! این مهد دموکراسی و اسلامش که بقول خودشان عین حقوق بشر است، به محض به قدرت رسیدن هزاران نفر از منتقدان و مخالفان مجاهد و چپ و بهایی خود را به دار کشید و پس از آن در گور های دسته جمعی خواباند.

و سپس ۸ سال جنگ و تحریم را برای مردم این کشور رقم زد. ۸ سال پیش تنها بدلیل نظر نزدیک شخص اول به دوم به سبب این

انتخاب و اعتراضات به آن بسیاری کشته و سال ها زندانی شدند. حال همان حرف هایی که هشت سال پیش گفته شد و تاوانش قتل و زندان و اعدام بود به راحتی توسط مسئولین گفته می شود و... حال از داعش میگویند اما ما فراموش نمی کنیم ۸ سال پیش را که چگونه در میدان ولی عصر تهران جوانان داعش وار توسط نیروی انتظامی و سپاه زیر چرخ های اتوموبیل له شدند! درست مانند جنایت های داعش در اروپا را، فراموش نمیکنیم همچون شلیک مأموران آمریکا به سیاه پوست ها، در همین ایران عزیزمان، جوانان به ضرب مستقیم گلوله کشته شدند و فقط و فقط به خاطر نظر شخصی که اشتباه بود!!!

حال ما فعالان حقوق بشر که خود در زندانیم چگونه از داخل زندان این روزا گرامی می داریم و از کدام پیشرفت ها و از کدام احقاق حقوقی در ایران یاد کنیم؟! هرچه پیشتر میرویم شان انسان و حقوق آن و حرمت نهادن به آن از یادها می رود و هر روز بیشتر از قبل شاهد افول شان انسان هستیم، اما با این حال این روز را به اندک فعالان حقوق بشر در ایران و فعالان حقوق بشر در سراسر دنیا تبریک می گویم و امیدوارم روزی همه انسانها زیر پرچم انسانیت با هر عقیده و باور و نژاد و جنسیتی بتوانند آزادانه زندگی کنند.

آتنا دائمی

فعال حقوق بشر - بند زنان زندان اوین

اعتراضات آذر ماه

روزهای سه شنبه و چهارشنبه، ۷ و ۸ آذر ۱۳۹۶ شاهد اعتراضات متعدد از سوی زنان و مردان به چپاولگری و سیاست های ضد مردمی در شهرهای مختلف بود.

پنج تجمع مربوط به مالباختگان در تهران، اهواز و مشهد خواهان بازپس گیری اموال غارت شده خود بودند.

مأموران سرکوبگر نیروی انتظامی در مقابل دادستانی مشهد یکی از زنان غارت شده را مورد ضرب و شتم قرار دادند که باعث خشم و ازجار معترضان گردید.

روز چهارشنبه ۸ آذر، معلمان حق التدریسی شهرضا در اعتراض

حکم شلاق علیه "زمانه زیویه"...

از صفحه ۱

ایران حکم شلاق علیه "زمانه زیویه"، "مناره ملاویسه" و "ایوب جوانپور" را قویا محکوم میکند و همه مردم آزاده را به اعتراض علیه هر نوع شکنجه ای و تحت هر عنوانی فرامیخواند.

حکم صادره دستگاه قضایی حکومت اسلامی مبنی بر شلاق یا جزای نقدی علیه "زمانه زیویه"، "مناره ملاویسه" و "ایوب جوانپور" باید بدون قید و شرط ممنوع شود.

کل حکومت فاسد و تبهکار اسلامی است. شلاق ادامه اعدام ها و شکنجه ها و سایر جنایات این حکومت برای سرکوب و ارباب مردم، تحقیر و بی حرمتی به مردم معترض و حفظ حکومت دزدان اسلامی است و باید از جانب همه مردم کردستان، کانونهای اجتماعی و نهادهای پیشرو و آزادیخواه بشدت محکوم شود.

باید با اعتراض گسترده در شهرهای کردستان و شهر سقز احکام شلاق حکومت را تماما عقب راند و این ابزار قرون وسطایی را از دست آن گرفت. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری

کمیته کردستان

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۱ آذر ۱۳۹۶

۱۲ دسامبر ۲۰۱۷

قصاص را باید به زباله دان انداخت! حکومت شلاق باید گورش را کم کند!



شلاق ممنوع!

"شلاق" حکم شنیع و غیر انسانی اسلامی است. "شلاق زدن" جرم است

تعرفه گذاری خدمات پرستاری، به عدم اجرای این قانون اعتراض کردند.

روز سه شنبه ۷ آذر ماه ۹۶ کارمندان اخراج شده بانک صادرات در مقابل مجلس تجمع کردند. ۶۰۰ زن و مرد از کارمندان بانک صادرات که ۳ ماه پیش یک شبه اخراج شده اند نسبت به بیکاری خود اعتراض کردند.

به بلاشکلی استفاده می مقابل اداره آموزش و پرورش این شهرستان، تجمع کردند.

روز سه شنبه ۷ آذر ماه ۹۶ کارمندان اخراج شده بانک صادرات در مقابل مجلس تجمع کردند. ۶۰۰ زن و مرد از کارمندان بانک صادرات که ۳ ماه پیش یک شبه اخراج شده اند نسبت به بیکاری خود اعتراض کردند.

قانون تعرفه گذاری خدمات پرستاری اجرایی شود

پرستاران با ایجاد کمپینی در فضای مجازی، خواستار اجرای قانون تعرفه گذاری خدمات پرستاری شدند.

پرستاران در فضای مجازی با ایجاد هشتگ اجرایی قانون

پرستاران در فضای مجازی با ایجاد هشتگ اجرایی قانون

گذاشته پرداخت نکرده اند. ***



علیه تبعیض

و نا امنی در گرو استقرار یک سیستم سکولار، غیر مذهبی و غیر قومی و برچیدن کامل بساط جریانات نژاد پرست و اسلامی و قومپرست است.

صلح عادلانه و پایدار خواست مردم آزادیخواه در فلسطین و اسرائیل است. اما صلح واقعی در فلسطین تنها میتواند صلحی مبتنی بر انساندوستی و برابری طلبی عمیق و گسترده و علیه هرگونه نژادپرستی و قوم پرستی و کینه توزیهای قومی و مذهبی و سیاستهای زورگویانه و قلندر منشانه و با برسمیت شناخته شدن استقلال فلسطین به نتیجه برسد.

به بی حقوقی و ستم بر مردم فلسطین باید پایان داد. این کار مردم آزادیخواه و برابری طلب، بشریت متمن، در هر دو سوی این تخصاص است.

حزب کمونیست کارگری دوشادوش همه انسانهای آزادیخواه جهان سیاست دول آمریکا و اسرائیل را بمشابه اقدامی آشکار علیه حقوق برسمیت شناخته شده مردم فلسطین، ماجراجویانه و جنگ طلبانه که پی آمدهای سیاسی فاجعه باری بدنبال خواهد داشت، قویا محکوم میکند.

حزب کمونیست کارگری

۱۸ آذر ۱۳۹۶

۹ دسامبر ۲۰۱۷

متعارف انسانی، به خشن ترین شیوه ها توسط دولت اسرائیل سرکوب و پایمال شده است.

بخش اعظم این مردم در اثر اشغال مناطق فلسطینی نشین، کشتار جمعی، قهر و تروریسم دولتی از محل سکونت و زندگی خود رانده شده و بخش دیگر تحت شرایط غیر انسانی به اسارت گرفته شده یا بمشابه شهروندان درجه دو زندگی میکنند.

اما زندگی مردم فلسطین تنها بازیچه قلدری و زورگویی دولت اسرائیل نبوده است. سرنوشت این مردم از دو سو بازیچه جنگ قدرت میان دولتهای فوق ارتجاعی و احزاب و گروههای ناسیونالیست و قوم پرست و مذهبی و اسلامی است. در یک سو دولت قومی - مذهبی توسعه طلب و تجاوزگر اسرائیل قرار دارد که سیاستهایش علیه مردم فلسطین اساسا مورد تایید دولت آمریکا و دول غربی است. در سوی دیگر دولتهای مرتجع و استبدادی عرب و جریانات ناسیونالیستی و تروریسم اسلامی قرار دارند که از بی حقوقی مردم فلسطین برای اشاعه نفرت و کینه توزی و سیاست کور یهودستیزی بهره برداری میکنند و تخم نفرت و کینه توزی می پاشند.

به این وضعیت باید پایان داد. خلاصی مردم فلسطین و اسرائیل از این دور تسلسل جنگ و کشتار

دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا، در یک اقدام ماجراجویانه، اورشلیم (بیت المقدس) را به عنوان پایتخت اسرائیل به رسمیت شناخت و دستور انتقال سفارت آمریکا از تل آویو به اورشلیم را صادر کرد. این اقدامی علیه تمام قطعهنامه های تاکسونی سازمان ملل مبنی بر برسمیت شناسایی اورشلیم شرقی بعنوان بخشی از اراضی اشغال شده فلسطینیان است که هرگونه دخل و تصرف دولت اسرائیل در این منطقه را غیر قانونی می داند. این اقدام ترامپ تلاشی برای بستن هر نوع دریچه ای برای صلح در خاورمیانه در آینده ای نزدیک و از میان بردن هر گونه امید برای برسمیت شناسایی کشور مستقل و متساوی الحقوق فلسطین در مجاورت کشور اسرائیل است.

اقدام دولت آمریکا باعث شعله ور شدن دور جدیدی از جنگ و کشمکش ارتجاعی در خاورمیانه خواهد شد و بمشابه مانده ای آسمانی برای جریانات مرتجع و تروریست اسلامی عمل خواهد کرد. هم اکنون این جدال آغاز شده و تلفات انسانی خود را ببار آورده است.

بیش از نیم قرن است که ابتدایی ترین حقوق مردم فلسطین، از حق حیات و زندگی تا برخورداری از ضروریات زندگی

میان آوارگان، کودکان و سالمندان تقسیمی صمیمانه کردند. کودکان در میادین مرکزی شهرها لباس های گرم و اسباب بازی هایشان را به کودکان زلزله زده هدیه دادند. بشریت به این همه حمایت های صمیمانه افتخار میکند. و در عین حال برای ما که درگیر سازماندهی جنبشی قوی و رادیکال برای سرنگونی حکومت اسلامی سرمایه در ایران هستیم، روزنه های بسیار باز و قابل اتکایی را برای تقویت جنبش سرنگونی و هدایت جامعه به خصوصیات انسانی، رهایی بخش و سوسیالیست را باز کرد.

برای ما دوره نوینی باز شده. این دوره اگر در بطن پیشروی های اجتماعی و عروج طیف وسیعی از فعالین و سخنگویان جنبش های اجتماعی سربر آورده، تعریف وظایف نوینی است برای تحقق و تسهیل سازمان اجتماعی و توده ای مردم. مابه اذا زلزله سیاسی و پیامدهای حمایتی مردم حضور و دخالت موثر و فعال در اوضاع سیاسی و سازمان اعتراضات شهری و مدرن است.

هم اکنون طیف وسیعی از فعالین عرصه های مختلف اجتماعی مدافعین حقوق کودک، سالمندان، کارگران و دانشجویان در مناطقی که آوارگان زلزله سرپل ذهاب زندگی میکنند، حضور دارند. حضور آنها کمک بزرگی است به تقسیم کمک های مردمی.

هم اکنون زلزله زدگان در اردوگاه ها در کنار روستاهایی که در اثر زلزله مخروبه شده اند، زندگی میکنند. به مسکن مناسب، امکانات دارویی و بهداشتی، و حمام و توالت بهداشتی نیاز ضروری و فوری دارند. این خواستها باید در همه جا سراسری شود. باید برای تحقق آنها مبارزه کرد، جنگید و خواستها را بزور اعتراض و مبارزه به دولت تحمیل کرد. یکی از عرصه های فعالیت فعالین عرصه های اجتماعی تقویت مبارزه مردم زلزله زده است.

۲۲ آذر ۹۶

در زلزله ۲۱ آبان مشارکت و حمایت مردم در سطح سراسری در ایران، کردستان و تا حدودی خارج از ایران نسبت به گذشته متفاوت بود. زلزله سرپل ذهاب و کرمانشاه به زلزله سیاسی تبدیل شد. مردم وقتی شاهد

برخورد پاسیف و غیر مسئولانه حکومت اسلامی بودند، سیل حمایتی همه جانبه را آگاهانه و با کاروانهای کمک رسانی سازماندهی کردند. کمک رسانی و دیدار و ملاقات و همبستگی مردم محدود به شهرهای کردستان نبود، از همه جا از شمال تا جنوب از شرق تا مناطق مرکزی و از خارج از کشور کمک رسانی به مردم زلزله زده در جریان بود. این هجوم انسانی و این همه حمایت و تصویرهای شورانگیز که توسط مردم، زنان و مردان، جوانان و کودکان به نمایش گذاشته شد، مضمون اجتماعی - سیاسی حمایتها را تثبیت کرد.

مردم در شهرهای کردستان تجارب ارزنده و قابل اتکایی در سازماندهی کمک رسانی های وسیع و گسترده دارند. از سالها قبل از بدو شروع حاکمیت سیاه و خودگمارده حکومت اسلامی این ابتکارات توده ای در جریان بوده، در کوچ تاریخی مردم مریوان پنجم مردادماه سال ۱۳۵۸ که در نقطه ای مرزی به اسم "کانی میران" دست به کوچ اجباری برای جلوگیری از حمله خونین ارتش و سپاه پاسداران زده بودند، هزاران نفر از سنجند، سقز و بانه، مهاباد و بوکان از مردم شهر مریوان حمایت کردند و دست به راه پیمایی زدند. در جریان حمله داعش به مردم کوبانی و شنگال در شهرهای کردستان کمک رسانی های گسترده ای در مراکز شهر برپا شد و مردم صمیمانه به آوارگان و مردم فراری از دست داعش (تروریسم اسلامی) کمک کردند.

این تجارب ارزنده هستند. اینها جلوه های انسانی از جامعه ای را به نمایش میگذارد که آگاهانه برای نجات انسانها در کنار هم قرار میگیرند و همصدا و هم گام میشوند. سفره فقیرانه خود را در

با اقدامات مشترک علیه احکام شلاق طبق اخبار منتشر شده، "زمانه زیویه"، "مناره ملاویسه" و "ایوب جوانپور" از سوی دستگاه قضایی حکومت ایران در شهرستان سقز به ۵۰ ضربه شلاق و یک میلیون و هشتصد هزار تومان جریمه نقدی محکوم شده اند! این سه نفر به "شرکت در تجمعات حمایت از همه پرسی استقلال کردستان و اخلاص در نظم عمومی" متهم شده اند.

ما امضا کنندگان حکم صادره دستگاه قضایی حکومت اسلامی مبنی بر شلاق یا جزای نقدی علیه "زمانه زیویه"، "مناره ملاویسه" و "ایوب جوانپور" را محکوم میکنیم. مردم شهرهای کردستان را به اعتراض گسترده فرا میخوانیم. امضا

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!